

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

امام محمد باقر (ع) ابن النخیرین

محمدنقی رفیعی

سرشناسه	:	رفیعی، محمدنقی، ۱۳۲۶ -
عنوان و نام پدیدآور	:	امام سجاد ^(ع) ابن‌الخیرتین / محمدنقی رفیعی.
مشخصات نشر	:	اراک: قلم‌سرا، ۱۳۹۷.
مشخصات ظاهری	:	۱۵۲ص.
شابک	:	۹۷۸-۶۲۲-۹۹۹۰۲-۴-۷-۲۰۰۰۰۰ ریال
وضعیت فهرست نویسی	:	فیبیا
موضوع	:	علی بن حسین ^(ع) ، امام چهارم، ۳۸ - ۹۴ق. -- سرگذشتنامه
موضوع	:	Ali ibn Hosayn, Imam IV -- Biography
موضوع	:	علی بن حسین ^(ع) ، امام چهارم، ۳۸ - ۹۴ق. -- سیاست و حکومت
موضوع	:	Ali ibn Hosayn, Imam IV -- Politics and government
موضوع	:	علی بن حسین ^(ع) ، امام چهارم، ۳۸ - ۹۴ق. -- نامه‌ها
موضوع	:	Ali ibn Hosayn, Imam IV -- Correspondence
رده بندی کنگره	:	۱۳۹۷۴۳BP الف ۷۴ر /
رده بندی دیویر	:	۹۵۴/۲۹۷
شماره کتابشناسی	:	۵۵۸۵۴۹۴



شماره: ۰۹۳۵۹۶۲۸۰۶۰

- ◆ امام سجاد^(ع) ابن‌المرتبه
- ◆ نویسنده: محمدنقی رفیعی
- ◆ صفحه‌آرا: داود ساریخانی
- ◆ ناشر: انتشارات قلم سرا
- ◆ نوبت چاپ: اول / ۱۳۹۷
- ◆ شمارگان: ۵۰۰ نسخه
- ◆ چاپخانه: چاپ تهران
- ◆ قیمت: ۲۰۰۰۰ تومان
- ◆ شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۹۹۹۰۲-۴-۷-۲۰۰۰۰۰
- ◆ حق چاپ برای ناشر محفوظ است.
- ◆ مرکز پخش: اراک، پل برق، خیابان فتح شیاکوه، انتشارات نجبا

فهرست مطالب

۵.....	مقدمه
۹.....	امام چهارم
۱۷.....	«آغاز اسلام»
۲۲.....	أسرار کوفه
۲۶.....	کوفه و مجلس ابن زبیر
۳۱.....	اسیران و شام
۴۹.....	«ورود اهل بیت به سینه تا واقعه حرّه»
۵۲.....	«مقدمه‌ی واقعه‌ی حرّه»
۵۶.....	«واقعه‌ی حرّه»
۶۳.....	مروری بر اوضاع سیاسی اجتماعی سرزمین‌های اسلامی آن روزگار
۷۱.....	«امام سجاد ^(ع) و خلفای عصر وی»
۷۹.....	عبدالملک مروان
۸۰.....	نامه‌ی عبدالملک به امام:
۸۱.....	نامه‌ی دوم عبدالملک به امام
۸۲.....	امام سجاد، شرایط اجتماعی روزگاران دوران وی، چگونگی اغیار، ادامه‌ی فعالیتش در آن دوران
۸۹.....	نامه‌ی عبدالملک به امام و پاسخ وی
۹۰.....	نامه‌ی دوم عبدالملک به امام و پاسخ وی
۹۱.....	نمونه‌های برخورد امام با علمای درباری
۹۷.....	«امام سجاد و موالی»
۱۰۳.....	«صحیفه سجادیه امام ^(ع) »
۱۱۴.....	«دعاهای امام»

۱۲۵.....	«معجزات و کرامات امام»
۱۲۵.....	شهادت حجر الاسود
۱۳۰.....	در تکلم آهو
۱۳۳.....	«جوان شدن حبابه و البیه»
۱۳۸.....	دریدن شیرها راهزن را
۱۴۱.....	«امام سجّاد و هشام بن عبدالملک»
۱۴۵.....	شهادت امام و انگیزه‌های شهادت:

برتره: دی از سخات جملاتی از امام سجّاد^(ع) به عنوان تبرک ثبت شده است

مقدمه

«به نام هستی بخش جهان هستی»

نمی‌دانم مطلب را چگونه و از کجا شروع کنم؛ علت آن را چه بنگارم تا مطالب، بیانگر همه‌ی واقعیات درونم باشند. آنچه می‌توانم به زبان قلم بیان نمایم، سپری شدن عمر، و احساس به این رسیدن آن است. سفری در پیش است آنهم غیر قابل بازگشت.

نه توشه‌ای آماده شده دارم و نه تکیه گاهی مستحکم. تنها امیدم به لطف و کرم خداوند مهربان است و لستگی‌هایی که به مقربان درگاهش بسته‌ام. یاد آن‌ها، خاطرات تاریخی و راه آن‌ها، شوق و شورم را، ایستگن‌هایم را، علاقه‌مندی‌هایم را بیشتر و بیشتر می‌کند و احساساتم را نسبت به این شخصیت‌ها، محبوب حق، اوج می‌بخشد. گاهی به وجد می‌آیم و گاهی از شدت غم اشک‌ها از چشمانم جاری می‌گردند که چگونه بوده‌اند؟ چگونه زندگی کرده‌اند؟ چه سختی‌ها و مشقاتی تحمل نموده‌اند، تا از دایره‌ی حدود الهی قدمی بیرون نهند و برای تفهیم دستورات پروردگار هستی به چیز خود و خود را فدا کرده‌اند.

خدایا مهربانیت و مهربانان را سپاس می‌گویم که این الگوهای رشادت و شجاعت و اخلاق و ایثار را به عنوان هادی بندگان در مسیر تاریخ قرار داده‌اید تا ببینند و بشناسند و در حلاّ توان در مسیر آن‌ها حرکت کنند و به سعادت حقیقی دست یابند. یکی از این شخصیت‌ها، علی بن حسین است که چون معصومین، یکر، نمی‌توان وی را وصف نمود. امام را جز خالق و سایر معصومین نمی‌توانند آنچنانکه هستند بشناسند و بستانید تا چه رسد به این بنده‌ی حقیر.

اما همین دلبستگی‌ها جرّتم داده تا با واژه‌های ذهنی خود از فراز و فرود زندگی وی مطالبی به تصویر کشم و ابیاتی نه درخور، بسرایم، باشد که مورد قبول قرار گیرد. ان شاء...

درباره موقعیت این دردانه‌ی هستی و مشی اجتماعی وی سخن گفتن کاری دشوار است. جوّ حاکم در زمان او، اختناق، سرکوب کردن، ایجاد رعب و کشتار، تحریف حقایق دین و... عواملی چند از این دشواری هاست. لذا عموماً آنچه دیگران به قلم کشیده‌اند، کار وی را گوشه‌گیری و عبادت برشمرده‌اند و مداخله نکردن در امور سیاسی جامعه. گاهی این مطالب عمداً به تصویر کشیده شده است و از نوشتن آنها هدف و مقصدی داشته‌اند. در حالیکه می‌دانیم آرمان این امام همام، از آرمان سایر ائمه‌ی قبل از خود و بعد از خود جدا نیست. هدف کُلّ تمام ائمه‌ی ما یکی بوده است. آنچه تغییر می‌کند، شرایط و موقعیت‌های اجتماعی زمان آنهاست. امام با بینشی که دارد، و موقعیتی که پیش آمده است و ادار به جبهه‌گیری نوع خاص می‌گردد.

پس باید مطالب را عمیقاً تر مورد توجه قرارداد و با ژرف اندیشی خاصی مسائل را تجزیه و تحلیل نمود. نگاهی هم‌جانبانه به تاریخ قبل از وی افکند، شرایط فرهنگی و تبلیغی و اثرات آنها را در مردم دید. علت قیام حسین (ع) را بررسی نمود مگر نه وی برای یک امر واجبی قیام کرد؟ «از بین بردن فساد بنیادین جامعه اسلامی که به کلی احکام را تغییر داده و یا تغییر می‌دادند» صرف‌نظر از دشمن بی‌رونی، آفت درونی مانند موریانه به جان مکتب افتاده بود یعنی خودی‌ها هم آفت پذیر شده یا آفت اندر می‌بردند. علتش ممکن است بر اثر خستگی، اشتباه در فهم درست دین یا مغلوب احساسات نفایس شدن بود، یا بر اثر نگاه به جلوه‌های مادی و بزرگ دیدن آنها. مدینه مرکز اسلام و مرکز برگر زادن اسلام در زمان امام حسین (ع) بود. وی حرکت خود را از این شهر آغاز کرد. به محله رفت.

فرزند عباس، زبیر، عمر و خلفای صدر اسلام همه بودند اما او را تنها گذاشتند و همراهی نکردند. تعلیم معارف مهجور شده بود. مردم به مرور از نظریه‌های دین تهی شده بودند تا جایی که دستگاه خلافت، نبوت را زیر سوال برده بود. خلیفه را برتر از پیامبر به حساب می‌آورد و او را خلیفه الله لقب داده بود. خلیفه الله برتر از رسول الله این قضیه تا زمان بنی عباس ادامه داشت. شرایط اخلاقی هم سقوط کرده بود.

حادثه‌ی کربلا به ظاهر تزلزل خاصی به ارکان شیعه وارد کرد. کشتار، زندان، تعقیب، شکنجه و تحریف همه و همه سابقه داشت اما کشتن فرزند پیغمبر و اسارت خاندان او و چرخاندن آنها در شهرها، پیش نیامده بود. رُعب شدیدی تمام دنیای اسلام را گرفت. زیدگان از اصحاب حسین علیه السلام در ماجرای عاشورا و بعد در ماجراهای دیگر (حرّه، توأین) به شهادت رسیده بودند و کسانی هم که مانده بودند، جرأت ایستادگی در مقابل قدرت سلطه را نداشتند. عده‌ی اندکی مؤمن اما پراکنده و بدون تشکیلات و منزوی. این میراثی بود که برای امام سجّاد باقی مانده بود. امام، در چنین شرایطی برای حفظ اسلام باید دست به یک مبارزه‌ی ویژه بزند تا قیام پدر را به سر منزل مقصود برساند. و از نتیجه‌ی آن برای اعتلای دین حق بهره‌گیری کند. و اما اشاره‌ای داشته باشیم به زندگینامه‌ی آن عزیز پروردگار. امید است توفیق فیق راه گردد. با عنایتش حقیر توفیق پیدا کند دلنوشته‌هایی تقدیم محضرش نماید.

«و من الله التوفیق»